

تاریخ‌گذاری آیه ۱۱ سوره مائده

بر اساس ارزیابی تاریخی روایات سبب نزول

مجتبی آقاجانی^۱

سید محسن موسوی^۲

محسن نورائی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰، صفحه ۴۹ تا ۶۹ (مقاله پژوهشی)

چکیده

جلال الدین سیوطی ذیل آیه ۱۱ سوره مائده، سه روایت سبب نزول ارائه کرده است. روایت اول، نزول آیه را به نجات پیامبر(ص) از توطئه قتل در ماجرای بنی نضیر نسبت می‌دهد که نشانگر نزول آیه در سال چهارم هجرت است. در مقابل، روایات دوم و سوم، سبب نزول را مربوط به غزوه غطفان و نقشه قتل پیامبر(ص) توسط فردی از بنی محارب در سال سوم هجرت می‌داند. نوشتار حاضر می‌کوشد با روشی توصیفی-تحلیلی، به این پرسش پاسخ دهد که نقش تاریخ در ارزیابی روایات سبب نزول و تاریخ‌گذاری آیه ۱۱ سوره مائده چیست؟ لذا ابتدا زمان وقوع هر یک از رویدادهای جاری در روایات سبب نزول را از لحاظ تاریخی مشخص کرده و سپس با تکیه بر روایات ترتیب نزول که نوعی از گزارش‌های تاریخی است زمان نزول آیه بررسی شده است. سپس با نگرشی تاریخی به متن و منابع روایات سبب نزول، مطابقت آن با زمان نزول آیه به بررسی می‌شود تا از این رهگذر آیه مورد تاریخ‌گذاری قرار گیرد. تاریخ‌گذاری هر یک از وقایع با توجه به متن و منابع ناقل، توجه به تناقضات تاریخی - متنی و تعیین زمان نزول آیه با تکیه بر گزارش‌های تاریخی، بیان‌گر این واقعیت است که زمان وقوع رویدادهای هیچ یک از روایات با تاریخ نزول آیه مطابقت ندارد. از این رو باید گفت: هیچ یک از سبب نزول‌های حاضر به دلیل عدم مطابقت زمانی با آیه قابل پذیرش نیست. علاوه بر آن بررسی‌ها حاکی از نقش بسیار مهم و مستقل گزارش‌های تاریخی در تاریخ‌گذاری آیات و روایات سبب نزول است.

کلیدواژه‌ها: سبب نزول، تاریخ‌گذاری، لباب النقول سیوطی، آیه ۱۱ سوره مائده.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران:

m.aghajani14@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران: m.musavi@umz.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران:

m.nouraei@umz.ac.ir

درآمد

سبب نزول به آن دسته از رویدادهایی عصر نبوی گفته می‌شود که منجر به نزول آیه شده است (نک: الوادعی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۳). روایات سبب نزول را می‌توان از جمله ابزارهای کشف معانی آیات دانست، از این رو از گذشته مورد توجهی عالمان مسلمان قرار گرفته و از ایشان در این زمینه آثاری مستقل به‌جا مانده است (برای نمونه بنگرید به: واحدی، ۱۴۱۱ق؛ ۳- ۵۰۸؛ مزینی، ۱۴۲۷ق، ۱/ ۶۹- ۷۱) از جمله مهمترین این اثرها کتاب «لباب النقول فی اسباب النزول» تألیف جلال الدین سیوطی است. در این کتاب ذیل آیات مختلف، روایات مطابق با نزول آیه جمع‌آوری شده است. یکی از آنها آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (مائده/ ۱۱) است که سه روایت سبب نزول برای آن نقل شده است که نزول آیه را به دو واقعه‌ی متفاوت می‌رساند، یکی غزوه‌ی بنی نضیر در سال چهارم هجرت و دیگری جنگ هفتم که ظاهراً منظور از آن غزوه‌ی غطفان در سال سوم هجرت است. اگر عدم تکرر نزول آیه مبنا قرار گیرد - چه آنکه وقوع آن حجتی وجود ندارد- (نک: منصور پهلوان و همکاران، ۱۳۹۷ش، ۲۱۱- ۲۳۶؛ رقیه شکفته، عبدالهادی فقهی زاده، ۱۳۹۷ش، ۱۲۵- ۱۵۳؛ پیروزفر، ۱۳۸۷ش، ۲۹- ۴۶) دو روایت، اختلافی زمانی حدوداً یک ساله را در نزول آیه نشان می‌دهد. به‌همین دلیل لازم است تاریخ وقوع این حوادث با تاریخ نزول سوره‌ی مائده مورد مطالعه قرار گیرد تا از این طریق انطباق یا عدم انطباق تاریخی و در نتیجه صحت روایات از جهت وقوع زمانی به‌وضوح روشن گردد. بر این اساس بررسی روایت با توجه به معیارهای صحت سنجی متناسب، ضروری است. از آنجایی که این روایات به‌نوعی در حال گزارش نزول آیه در بستر تاریخی آن است، گزارش‌های تاریخی می‌تواند معیار بسیار خوبی برای صحت سنجی آنها باشد زیرا از یک سو روایات سبب نزول مانند سایر روایت‌ها دچار عارضه‌هایی از قبیل جعل، تدلیس، تعارض و غیره است و از سوی دیگر بافت تاریخی این روایات محتاج معیاری همگون برای ارزیابی آن است. گزارش‌های تاریخی می‌تواند در دستیابی به صحت و سقم این روایات نقشی محوری را ایفا کند. به‌عنوان مثال یکی از کارکردهای گزارش‌های تاریخی برای صحت سنجی این روایات، کمک به تعیین زمان تقریبی وقوع حوادث است، به‌این معنا که تاریخ وقوع بسیاری از حوادث که مقارن با نزول آیه است در کتاب‌های مغازی، سیره، طبقات، تراجم، رجال و در عنوانی کلی‌تر در منابع تاریخی ثبت و ضبط شده است که در تعیین صحت محتوای روایات نقشی اساسی را ایفا می‌کند. همچنین برای تخمین زمان نزول سوره‌ی مائده می‌توان از روایات ترتیب نزول کمک گرفت اما این روایات را نیز باید در کنار گزارش‌های تاریخی مورد تفحص قرار داد زیرا روایات ترتیب نزول نیز اصالتی تاریخی داشته و به‌نحوی می‌توان زمان

نزول آیه را با دقت در آنها کشف کرد. از این رو می‌توان تاریخ را یکی از ابزاری مهم برای فهم درست روایات سبب نزول دانست.

اما سوال اساسی آن است که اولاً: آیا می‌تواند در تاریخ‌گذاری و آیات و روایات سبب نزول برای گزارش‌های تاریخی جایگاهی مستقل قائل شد؟ و ثانیاً: برای تاریخ‌گذاری چه روندی را باید سپری کرد؟ و ثالثاً: بر اساس گزارش‌های تاریخی کدام سبب نزول با وقوع تاریخی آیه مطابقت بیشتری دارد؟ بنابراین پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی در صدد تاریخ‌گذاری آیه ۱۱ مائده بر اساس گزارش‌های تاریخی خواهد بود. از این مسیر گزارش‌های تاریخ‌نگاران نخستین مانند واقدی، ابن هشام، ابن سعد، بلاذری و غیره به دلیل نزدیکی بیشتر به واقع و اعتبار این کتب نزد اکثر مورخین مورد توجه قرار می‌گیرد.

شایان ذکر است پیش از این پژوهشگران مختلفی به تاریخ‌گذاری آیات و سور قرآن همت گماشته‌اند. از جمله، «تاریخ‌گذاری آیات ۱۹۶-۲۰۳ سوره بقره» (فرامرزی، حسینی؛ اصفهانی؛ حسینی، ۱۳۹۹ش، ۳۷-۵۶)، «جستاری در شمار و تاریخ‌گذاری آیات برائت» (نکونام، مهدی زاده، ۱۳۹۷، ۸۱-۱۰۶)، «تاریخ‌گذاری آیات سوره مزمل» (غروی، ۱۳۹۶ش، ۵-۲۷)، «تاریخ‌گذاری سوره قدر با تأکید بر مکی یا مدنی بودن» (عشریه، کاوند، خیراندیش، ۱۳۹۸ش، صص ۱۲۳-۱۴۸)، «تاریخ‌گذاری سوره اعراف» و نقد روایات ترتیب نزول آن» (کوهی، ۱۳۹۱ش، ۸۵-۱۰۶)، «خوانشی نو از تاریخ‌گذاری سوره ی نصر» (کلباسی، احمد نژاد، ۱۳۹۶ش، ۱۱۷-۱۴۰) اما هیچ‌یک از روش تاریخی و با تکیه بر گزارش‌های تاریخی این مهم را به‌انجام نرسانیده‌اند.

دو نکته لازم به ذکر است:

نکته‌ی نخست: اساس کار این مقاله ارزیابی تاریخی روایات سبب نزول است بر همین اساس غالب منابع مورد استناد منابع تاریخی است زیرا یکی از اهداف اصلی نوشته‌ی حاضر اثبات استقلال منابع تاریخی در ارزیابی روایات سبب نزول و ارایه‌ی نمونه‌ای بسیار شفاف برای آن است. به‌همین دلیل نویسندگان در صدد تاریخ‌گذاری از طریق همه‌ی ابزارهای موجود بر نیامده‌اند و تنها بر منابع تاریخی اکتفا کرده‌اند.

نکته‌ی دوم: که در تاریخ‌گذاری آیه ۱۱ مائده توجه به این مراحل ضروری است: ۱- تخمین تاریخ وقوع رویدادهای روایت اول ۲- تخمین تاریخ وقوع رویدادهای روایت دوم ۳- تخمین تاریخ نزول سوره‌های پیش از مائده در روایات ترتیب نزول به‌عنوان بیان‌کننده بخشی از تاریخ نزول و

عرضه آن بر تاریخ ۴- تخمین زمان نزول سوره‌ی مائده با توجه به روایات ترتیب نزول ۵- تخمین تاریخ نزول سوره مائده با توجه به گزارش‌های تاریخی ۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در پایان لازم به ذکر است استفاده از گزارش‌های تاریخی در مطالعات علمی مستلزم رعایت ضوابط دقیق و چارچوب‌های روش‌مند است. منابع مربوط به یک موضوع صرفاً محدود به آثار مستقیم و آشکار در آن حوزه نیستند، بلکه اقتضای پژوهش روشمند آن است که تبعی فراگیر و نظام‌مند در منابع مستقیم و غیرمستقیم صورت پذیرد. افزون بر این، بررسی جایگاه راویان و ارزیابی میزان اعتبار و اصالت نقل‌های آنان ضرورتی اساسی دارد؛ چرا که غفلت از این امر می‌تواند زمینه‌ساز بروز تحریف‌ها یا تحلیل‌های نادرست گردد.

شناخت دقیق از ویژگی‌های صاحبان منابع نیز از جمله بایسته‌های اساسی در بهره‌گیری از داده‌های تاریخی است، زیرا مورخان، بسته به رویکرد در تاریخ‌نگاری، سبک نگارش، دامنه آگاهی و میزان پایبندی به اصول امانت‌داری، از یکدیگر متمایزند.

با این حال، بهره‌گیری از گزارش‌های تاریخی در کنار ظرفیت‌های بالقوه‌اش، با محدودیت‌ها و چالش‌هایی نیز مواجه است. نخست آنکه به دلایل گوناگون، همه وقایع تاریخی به طور جامع و دقیق در منابع مکتوب انعکاس نیافته‌اند. از دیگر موانع می‌توان به از میان رفتن بخشی از منابع، درهم‌تنیدگی گزارش‌های متعدد در یک روایت واحد، آمیختگی داده‌های تاریخی با نقل‌های نادرست، جهت‌دار یا متعصبانه، و همچنین وقوع تطورات و تغییرات در متن گزارش‌ها در طول زمان اشاره کرد.

علاوه بر این، مسائلی نظیر اختلاف در انتساب یک اثر به مؤلف خاص، و پیچیدگی‌های مربوط به نسخه‌شناسی، تحریرات و چاپ‌های مختلف یک اثر نیز از جمله عواملی‌اند که اعتبارسنجی و بهره‌برداری علمی از گزارش‌های تاریخی را با دشواری‌هایی همراه می‌سازند.

همچنین برای تحقیقات پیش‌رو می‌توان به موضوعاتی از قبیل «میزان به‌کارگیری منابع تاریخی در لباب النقول»، «بررسی تاریخی دیگر روایات سبب نزول»، «تاریخ‌گذاری آیات و سوره‌های دیگر قرآن با تکیه بر منابع تاریخی»، «نقش تاریخ در تاریخ‌گذاری آیات قرآن» پرداخته شود.

۱- تاریخ‌گذاری

یکی از کارکردهای بسیار مهم گزارش‌های تاریخی، تاریخ‌گذاری آیات و روایات است. تاریخ‌گذاری در واقع دانش تعیین تاریخ رویدادهای تاریخی است (نکونام، ۱۳۸۰ش، ۱؛ همچنین بنگرید به: موتسکی، ۱۳۹۴ش، ۲۳-۸۰؛ پارسا، ۱۳۸۸ش، ۱۵۹) که در فهم هرچه درست‌تر از آیات و روایات سبب نزول تاثیر به‌سزایی دارد. روش تاریخ‌گذاری آیات قرآن با استفاده از روایات سبب نزول و عرضه این روایات به گزارش‌های تاریخی، یکی از روش‌های مهم در مطالعات تاریخی قرآن

است. این روش در سنت تفسیری اسلامی و نیز در رویکردهای نوین، برای تعیین زمان، زمینه و مناسبت نزول آیات کاربرد دارد. تاریخ‌گذاری آیات قرآنی به معنای تعیین زمان (تقریبی) نزول یک آیه یا سوره است. در این روش، با استناد به روایات سبب نزول و بررسی تطبیقی آن‌ها با گزارش‌های تاریخی، و روایات ترتیب نزول تلاش می‌شود آیه را در بستر تاریخی خود بازشناسی کرده و بافت زمانی و مکانی آن را مشخص سازد. در تاریخ‌گذاری با توجه به روایات سبب نزول پیش از هر چیز، باید اعتبار تاریخی روایت بررسی شود: مثلاً آیا روایت با دیگر نقل‌های تاریخی (مثلاً سیره، مغازی، تاریخ) سازگار است؟ اگر روایت به حادثه‌ای خاص (مثلاً نقشه‌ی قتل پیامبر از جانب یهود بنی‌نضیر) اشاره دارد، باید بررسی کرد که منابع تاریخی، آن حادثه را چگونه و در چه زمانی گزارش کرده‌اند. این تطبیق می‌تواند درستی یا نادرستی زمان نزول ادعا شده را تأیید یا رد کند. در این روش، تاریخ‌گذاری هریک از وقایع ذکر شده در روایات اسباب نزول با تطبیق آن بر منابع و گزارش‌های تاریخی امری ضروری است.

از انواع تاریخ‌گذاری می‌توان به تاریخ‌گذاری وقایع بر اساس متن و منبع روایت اشاره کرد. تاریخ‌گذاری وقایع تاریخی با توجه به متن و منبع روایات ناقل یکی از روش‌های مهم در نقد تاریخی و مطالعات سنت‌شناسی در اسلام است. این روش در پژوهش‌های تاریخی، به‌ویژه در تحلیل منابع نخستین اسلامی مانند سیره، مغازی و تاریخ‌نگاری‌های اولیه (ابن اسحاق، واقدی، ابن هشام، ابن سعد و ...) کاربرد زیادی دارد.

تاریخ‌گذاری وقایع تاریخی با تحلیل متن و منبع روایی، روشی است برای تعیین زمان تقریبی وقوع یک رویداد تاریخی (مانند جنگ، معاهده، هجرت، شورش، و...) با بررسی محتوای روایت و ویژگی‌های راوی یا منبع آن. این روش در غیاب منابع هم‌زمان یا برای تأیید یا نفی صحت تاریخی یک روایت بسیار مهم است.

این روش در بر دو پایه‌ی اصلی استوار است: ۱- تحلیل محتوای متن (متن روایت یا گزارش تاریخی) ۲- تحلیل منشأ روایت (منبع اولیه که گزارش از او نقل شده است)

هر روایت تاریخی می‌تواند لایه‌هایی از نقل را در خود داشته باشد: لایه‌ی اول: روایت اصلی (مثلاً گفتار یک شاهد عینی) و لایه‌های بعدی که شامل بازنویسی، تفسیر، افزودن جزئیات یا تحریف است. پژوهشگر تلاش می‌کند کهن‌ترین لایه قابل دسترسی را بازسازی کند. این کار معمولاً با مقایسه روایت‌های مختلف از یک واقعه یا بررسی کهن‌ترین نقل انجام می‌شود.

در تحلیل محتوای روایت، محتوای روایت بررسی می‌شود تا زمان تقریبی شکل‌گیری آن مشخص شود. مثلاً بررسی می‌شود آیا در روایت به پدیده‌های خاص تاریخی اشاره شده است (مانند نام مکان‌ها، شخصیت‌ها، وقایع و ساختار قبیله‌ای)؟ آیا روایت درباره مسئله‌ای سخن می‌گوید که فقط در دوره‌ای خاص مطرح بوده (مثلاً بحث از جنگی خاص)؟

همچنین در تحلیل منبع روایت بررسی می‌شود آیا روایت در منابع متعدد آمده است؟ با چه تفاوت‌هایی؟ کدام روایت‌ها مستقل از یکدیگر هستند (و بنابراین احتمالاً کهن‌ترند)؟ آیا روایت با گزارش‌های دیگر سازگار است؟ آیا نقل منابع کهن در همه‌ی موارد یکسان است؟

۲- سبب نزول‌های آیه ۱۱ سوره مائده به روایت سیوطی

ذیل آیه ۱۱ مائده سه روایت در لباب النقول ذکر شده که به شرح زیر است:

در روایت نخست، «پیامبر (ص) با ابوبکر، عمر، عثمان، علی، طلحه و عبدالرحمن بن عوف نزد کعب بن اشرف و یهود بنی نضیر رفت و از آن‌ها در باره‌ی ادای دیه‌ای که عهده‌دار پرداخت آن بود کمکی طلبید. یهود گفت: بنشین تا برایت غذا بیاوریم و خواسته‌ات را نیز برآورده سازیم. پیامبر نشست، حی بن اخطب به رفقای خود گفت: هرگز او را نزدیکتر از این در دسترس خود نمی‌یابید، سنگی را به سوی او پرتاب کنید و به قتلش برسانید تا شرارت و بدی را برای همیشه نبینید، پس آسیاب سنگ بزرگی را آوردند تا به سوی پیامبر پرتاب نمایند، خدا در آن کار موفق‌شان ساخت، زیرا جبرئیل امین آمد و باعث شد پیامبر از جای خود برخیزد. پس خدای بزرگ آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (مائده / ۱۱) (سیوطی، بی‌تا، ۹۳). بر پایه‌ی این روایت علت نزول آیه، سوء قصد بنی نضیر به پیامبر (ص) است.

در روایت دوم آمده است «رسول خدا در غزوه‌ی هفتم، در بین نخلستانی قرار داشت، بنو ثعلبه و بنو محارب خواستند که او را بکشند. کسی را به این منظور فرستادند و او خود را کنار رسول الله که در جایی به خواب رفته بود رساند و سلاح پیامبر (ص) را گرفت و گفت: کیست که تو را از چنگ من نجات بخشد، پیامبر گفت: خدا، اعرابی شمشیر را در نیام گذاشت. پیامبر او را مجازات نکرد. در آن هنگام این آیه نازل شد» (سیوطی، بی‌تا، ۹۴).

در روایت سوم «مردی از بنی محارب که به غورث بن حرث مشهور بود، به قوم خود گفت: من محمد را برای شما می‌کشم، پس خود را نزدیک رسول الله رساند. پیامبر جایی نشسته و شمشیرش را کنارش گذاشته بود. گفت: ای محمد، اجازه می‌دهی شمشیر را ببینم، گفت: آری، غورث شمشیر را گرفت و از نیام برکشید و به اهتزاز درآورد و بر او حمله ور گردید، ولی خدا شر او را از پیامبر

دور کرد. گفت: ای محمد از من نمی ترسی؟ گفت: نه، غورث گفت: از من که شمشیر تیزی در دستم دارم نمی ترسی؟ گفت: نه، خدایم مرا از شر تو حفظ می کند. غورث پس از شنیدن این سخن، شمشیر را در غلاف نهاد و به دست رسول خدا داد. آنگاه این آیه نازل شد» (سیوطی، بی تا، ۹۴).

۳- تاریخ گذاری رویدادهای روایت اول

در روایت اول دو مسئله نیاز به بررسی دارد. یکی تاریخ کشته شدن کعب بن اشرف و دیگری زمان وقوع غزوه بنی نضیر. از این رو نیاز است تمام جزئیات اعم از وقایع مهم زندگی کعب و چرایی غزوه بنی نضیر مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱- علل و تاریخ وقوع سریه ی کعب بن اشرف

کعب بن اشرف یکی از بزرگان یهود بنی نضیر که پدرش مردی از قبیله طیّ و مادرش عقیله، دختر ابو حقیق از یهود بنی النضیر بود، هنگامی که خبر شکست قریش و کشته شدن بزرگان آنها در بدر به مدینه رسید روی دشمنی زیادی که با مسلمانان داشت (نک: واقدی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۱۲۱؛ ابن هشام، بی تا، ۲/ ۷۹؛ حلبی، ۱۴۲۷ق، ۳/ ۲۲۳) پس از مرگ پدرش، مادرش او را در کودکی به دایی هایش در بنی نضیر سپرد و او در میان آنها رشد کرد و به جایگاهی بلند رسید (نک: اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ۲۲/ ۳۶۰) او مردی تنومند و ثروتمند بود که به سایر یهودیان کمک می کرد (نک: حلبی، ۱۴۲۷ق، ۳/ ۲۲۳). او شاعر بود و مناقضات شعری او با حسان بن ثابت مشهور است (نک: اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ۲۲/ ۳۶۰) وی از این توانایی علیه مسلمانان بهره می جست. پیامبر (ص) و اصحاب او را هجو می کرد و در شعر خود کافران قریش را علیه مسلمانان بر می انگیزخت و مسلمانان را مورد آزار قرار می داد (نک: واقدی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۱۳۳؛ ابن هشام، بی تا، ۱/ ۵۱۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲/ ۲۴؛ بلاذری، بی تا، ۱/ ۲۸۴؛ ابن کثیر، بی تا، ۴/ ۵) روایات حاکی از آن است که وی پس از شنیدن خبر کشته شدن مشرکان در جنگ بدر بسیار خشمگین شد و گفت: اگر این خبر راست باشد مرگ برای ما بهتر از زندگی است (نک: واقدی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۱۳۳) آنها از اشراف عرب و پادشاهان مردم بوده اند. اگر محمد (ص) آنها را کشته باشد، زیر زمین بهتر از روی زمین است (نک: ابن هشام، بی تا، ۲/ ۵۱؛ ذهبی، بی تا، ۱/ ۴۱۵) پس از آن برای تحریک قریش به مکه رفت و از این خاندان در مقابل پیامبر (ص) یاری خواست و با سرودن اشعاری خشم آنها علیه مسلمانان را برانگیخت (نک: واقدی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۱۳۳؛ ابن هشام، بی تا، ۱/ ۵۱-۵۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲/ ۲۴؛ بلاذری، بی تا، ۱/ ۲۸۴؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۳/ ۱۸۷؛ ابن کثیر، بی تا، ۴/ ۶؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۲/ ۱۵۷). او پس از آنکه اطمینان یافت توانسته است کفار را علیه مسلمانان بشوراند از مکه خارج شد (نک: ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ۴۱۶) دلیل

دیگر خروج او از مکه، هجای حسان بن ثابت، در حق مکیان بود. چون این خبر به عاتکه دختر اسید، همسر ابی وداعه بود رسید، گفت: ما را با این یهودی چه کار است؟ مگر نمی‌بینی که حسان چه بر سر ما می‌آورد؟ ناچار ابن اشرف از نزد آنها رفت و پیش هر کسی که می‌رفت پیامبر (ص) حسان را می‌خواست و به او می‌فرمود که ابن اشرف به کجا رفته است و حسان همچنان آنها را هجو می‌کرد تا ابن اشرف از پیش آنها برود. چون ابن اشرف پناهگاهی نیافت، به مدینه برگشت (واقعی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۱۸۷؛ بلاذری، بی‌تا، ۱/ ۳۴۷؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ۱۲/ ۱۸۱؛ شمس شامی، ۱۴۱۴ق، ۶/ ۲۴). در بازگشت به مدینه در صدد آزار مسلمین برآمد و اشعاری عاشقانه سرود و در آنها نام زنان مسلمان را برد و با آنها اظهار معاشقه و تغزل کرد (نک: ابن هشام، بی‌تا، ۲/ ۵۴؛ طبری، بی‌تا، ۲/ ۴۴۸؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۳/ ۱۹۰؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۲/ ۱۵۸؛ کلاعی، ۱۴۲۰ق، ۱/ ۳۶۷).

پس از آزار مسلمانان و تلاش برای نابودی آنها از جانب کعب بن اشرف، عرصه بر پیامبر (ص) تنگ شد و از مسلمانان خواست تا او را به قتل رسانند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۱۸۷؛ ابن هشام، بی‌تا، ۲/ ۵۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲/ ۲۴؛ بلاذری، بی‌تا، ۱/ ۳۷۴؛ ابن شیه، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱۶-۴۱۸؛ طبری، بی‌تا، ۲/ ۴۴۸؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۳/ ۱۹۰؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۲/ ۱۵۸؛ کلاعی، ۱۴۲۰ق، ۱/ ۳۶۷) محمد بن مسلمة این مهم را بر عهده گرفت و سرانجام با کمک گروهی از مسلمانان حيله‌ای ترتیب داد و او را از قلعه‌اش به بیرون کشید و کشت (نک: پیشین). ابن هشام و ابن شیه دو روایت نزدیک به هم از مرگ او را ارائه کرده‌اند (نک: ابن هشام، بی‌تا، ۲/ ۸۰-۸۳؛ برای روایت مشابه بنگرید به: ابن شیه، ۱۴۱۰ق، ۴۱۸-۴۱۶) در علت کشته شدن وی باید گفت اگر این امر محقق نمی‌شد او به اعمال و رفتارهای تحریک آمیز و وقیحانه‌ی خویش ادامه می‌داد و باعث آزار و کشته شدن مسلمانان می‌شد. تاریخ کشته شدن کعب در کتاب‌های تاریخ ثبت شده است. واقعه‌ی به‌هلاکت رسیدن وی به «سریه قتل کعب بن اشرف» شهرت دارد. ابن اسحاق، واقعی، ابن هشام، ابن سعد، بلاذری، طبری و تبع آنها بسیاری دیگر، تاریخ کشته شدن وی را ماه اول سال سوم هجرت، پس از بدر و پیش از احد می‌دانند (نک: واقعی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۱۸۴؛ ابن سعد، ۲/ ۲۴؛ بنگرید به: ابن هشام، ۲/ ۵۱؛ طبری، ۲/ ۴۸۷؛ ذهبی، بی‌تا، ۲/ ۱۵۷). بر این اساس می‌توان گفت: نزول آیه ۱۱ مائده باید پیش از سال سوم هجرت بوده است که با آنچه در پی خواهد آمد بعید به نظر می‌رسد.

۳-۲- علل و تاریخ وقوع غزوه بنی نضیر

بنی نضیر یکی از اقوام یهود مدینه و نام دومین جنگ پیامبر با یهودیان مدینه است. پیامبر (ص) به‌پشتوانه‌ی سخن ابوبراء چهل نفر از اصحاب را برای دعوت مردم آن نواحی به اسلام به‌نجد فرستاد. اما عامر بن طفیل (یکی از بزرگان قبیله بنی عامر) در منطقه‌ای به نام بئر مونه ۳۹ نفر از آنها را کشت

و تنها عمرو بن امیه زنده ماند. او در راه باز گشت به دو نفر از قبیله‌ی بنی عامر برخورد کرد و آنها را کشت غافل از آنکه قبیله‌ی مزبور با پیامبر (ص) پیمان عدم تعرض بسته بودند. رسول خدا پس از شنیدن این ماجرا عهده‌دار پرداخت دیه‌ی آن دو نفر شد اما از آنجا که یهود بنی نضیر با پیامبر (ص) و بنی عامر پیمان دوستی داشتند و هم قومی ثروتمند بودند، پیامبر به همراه علی (ع)، ابوبکر و عمر برای کمک در پرداخت خون بها به سوی بنی نضیر رفت. آنها به پیامبر (ص) قول مساعدت دادند اما در میان نقشه‌ی قتل ایشان را طرح ریزی کردند و عمرو بن جحاش را فرستادند تا سنگی را از بالای بام خانه بر سر پیامبر (ص) فرود آورد و ایشان را به قتل رساند. اما پیامبر (ص) از طریق وحی از توطئه‌ی آنها آگاه شد و از کنار دیواری که پشت آن در حال استراحت بودند کنار رفته و به سمت مدینه رهسپار شدند. اصحاب رسول خدا که در بیرون قلعه منتظر آمدن آن حضرت بودند چون دیدند بازگشت او بطول انجامید نگران شده بجستجوی او پرداختند و از مردی که از طرف مدینه می آمد سراغ آن حضرت را گرفتند. او گفت: من رسول خدا (ص) را در مدینه دیدم. اصحاب بسوی مدینه شتافتند و چون خدمت آن حضرت شرفیاب شدند رسول خدا توطئه‌ی بنی نضیر را باطلاع آنها رساند و دستور داد تا آمادی جنگ با آنها شوند. سپس ابن ام مکتوم را در مدینه بجای خود نهاد و به قصد جنگ با ایشان حرکت کرد، و با همراهان خود قلعه‌های ایشان را شش روز محاصره کرد و در پایان بدون در گرفتن جنگی همه‌ی آنها از مدینه اخراج شدند (نک: واقدی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۳۶۳؛ ابن هشام، بی تا، ۲/ ۱۹۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲/ ۴۳؛ بلاذری، بی تا، ۱/ ۳۳۹؛ طبری، بی تا، ۲/ ۵۵۰؛ ابن کثیر، بی تا، ۷/ ۴؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۲/ ۱۴۸).

در تاریخ وقوع غزوه بنی نضیر در میان مورخان اختلافاتی دیده می شود (نک: ابن کثیر، بی تا، ۴/ ۹-۵؛ حلبی، ۱۴۲۷ق، ۲/ ۳۵۶). برخی برآنند که این جنگ در ربیع الاول سال چهارم هجرت و پس از جنگ احد به وقوع پیوسته است (نک: واقدی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۳۶۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲/ ۴۳؛ بلاذری، بی تا، ۱/ ۳۳۹؛ حلبی، ۱۴۲۷ق، ۲/ ۳۵۶؛ ابن کثیر، بی تا، ۴/ ۹-۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ۱/ ۱۸۸؛ آیتی، ۱۳۹۸ش، ۲۹۳؛ همچنین نک: طبری، بی تا، ۲/ ۵۵۰؛ ابن هشام، بی تا، ۲/ ۱۹۰) اما برخی از تاریخ نگاران نیز تاریخ وقوع آن را سال سوم هجرت (نک: ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۲/ ۱۴۸) و پیش از احد می دانند (نک: بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۳/ ۱۷۹؛ همچنین بنگرید به: ابن کثیر، بی تا، ۴/ ۹-۵؛ جعفریان، ۱۳۸۳ش، ۵۴۱). اما ابن کثیر با استدلال بر اینکه تحریم شراب در شب های بنی نضیر بوده است و برخی از رزمندگان پس از شراب خواری در احد حضور یافتند و اگر خمر حرام شده بود آنها چیزی از آن نمی نوشیدند، بر آن است که بنی نضیر پس از احد بوده است (ابن کثیر، بی تا، ۴/ ۹) به همین دلیل وقوع آن در سال

چهارم و پس از احد را می‌توان محتمل‌تر دانست. بنابر این نزول آیه‌ی ۱۱ مائده بین سال‌های سوم یا چهارم هجرت است که البته سال چهارم تاریخ محتمل‌تری است.

۴- تاریخ‌گذاری رویدادهای روایت دوم

۴-۱- علل و تاریخ وقوع غزوه هفتم

مقصود سیوطی از غزوه‌ی هفتم یکی از غزوات «عَطْفَان بَذی امر» یا غزوه‌ی «ذات الرقاع» است زیرا ماجرای شمشیر کشیدن بر پیامبر (ص) مطابق با کتب تاریخی در یکی از این دو جنگ اتفاق افتاده است (نک: واقدی، ۱۳۸۹ش، ۱۴۱ و ۲۹۴؛ ابن هشام، بی‌تا، ۷۵/۲ و ۱۴۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۳۲/۲ و ۵۹؛ بلاذری، بی‌تا، ۳۷۷/۱). که شخصی به نام غورث (نک: سیوطی، بی‌تا، ۹۴؛ ابن هشام، بی‌تا، ۱۴۵/۲) یا دُعُوث (نک: واقدی، ۱۳۸۹ش، ۱۴۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۳۲/۲) با هدف سوء قصد شمیر پیامبر (ص) را برداشته است. با توجه به ترتیب واقدی اگر جنگ بدر اولی را اولین غزوه‌ی جدی پیامبر محسوب کنیم، هفتمین جنگ ایشان غطفان خواهد بود اما در هر صورت غزوه‌ی ذات الرقاع غزوه‌ی هفتم نیست، زیرا پیش از آن غزوات زیادی رخ داده است. عجیب آنکه ابن هشام نزول آیه‌ی ۱۱ مائده را در ذات الرقاع نقل کرده است (ابن هشام، بی‌تا، ۲۰۵/۲). اما واقدی، ابن سعد و بلاذری نزول آیه را در جنگ غطفان گزارش داده‌اند (نک: واقدی، ۱۳۸۹ش، ۱۴۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۳۲/۲؛ بلاذری، بی‌تا، ۳۷۷/۱). ابن سعد داستانی مشابه با آنچه در غطفان اتفاق افتاده است را برای ذات الرقاع نقل می‌کند اما نزول آیه‌ای را گزارش نداده است (نک: ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۶۰/۲). هرچند با توجه به منابع تاریخی احتمال وقوع ماجرا و در پی آن نزول آیه در غزوه‌ی غطفان بیشتر است اما برای اتقان بحث، تاریخ وقوع هر دو جنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد. گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که غزوه‌ی غطفان در سال سوم هجرت روی داده است (نک: منابع پیشین). همچنین غزوه ذات الرقاع در سال چهارم به وقوع پیوست (نک: واقدی، ۱۴۰۹ق، ۳۹۵/۱ و دیگران). با توجه به این گزارش‌ها، آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی مائده در یکی از سال‌های سوم یا چهارم هجرت نازل شده است که نزول آن در غطفان با واقع سازگارتر است.

ردیف	واقعه	سال وقوع
۱	سریه کعب بن اشرف (کشته شدن کعب)	سال سوم هجرت
۲	غزوه بنی نضیر	سال چهارم هجرت
۳	غزوه غطفان	سال سوم هجرت
۴	غزوه ذات الرقاع	سال چهارم هجرت

۵- تخمین تاریخ نزول سوره مائده

یکی از راه‌های صحت‌سنجی روایت سبب نزول، تاریخ‌گذاری آیات با توجه به روایت‌های ترتیب نزول است که ماهیتی تاریخی دارند. با بررسی روایت‌های ترتیب نزول، گزارش‌های تاریخی و در کنار هم نهادن آنها، می‌توان تاریخ نزول سوره‌ی مائده را تخمین زد. گفتنی است که تعیین صحت تاریخی این روایات نیز با توجه به گزارش‌های تاریخی انجام خواهد گرفت.

۵-۱- تخمین تاریخ نزول سوره مائده بر اساس روایات ترتیب نزول

روایات ترتیب نزول نشان می‌دهد که در ترتیب و به‌تبع آن در زمان نزول سوره مائده اتفاق نظر وجود ندارد. اگر ۱۳ روایت مشهور ترتیب نزول مبنا قرار گیرد، ترتیب نزول این سوره به این قرار خواهد بود:

۱- احزاب- مائده- ممتحنه (۴ روایت: عکرمه- حسن بصری- ابن کریب از ابن عباس- جابر بن یزید)

۲- فتح- مائده- توبه (۴ روایت: عطا- ابن مسیب از امام علی- عطا از ابن عباس- زهری)

۳- فتح- توبه- مائده (۲ روایت: امام صادق- مقاتل از امام علی)

۴- صف- مائده- توبه (۲ روایت: ابی صالح از ابن عباس- مقاتل) (نک: خامه‌گر، ۱۴۰۲ش، ۷۱-۷۴).

تاریخ نزول	عطا	مکره	حسن بصری	ابن کریب از ابن عباس	مجاهد	ابن مسیب از امام	امام صادق	عطا از ابن عباس	ابی صالح از ابن	جابر بن یزید	مقاتل بن سلیمان	مقاتل از امام	زهری	دیدگاه مشهور
شماره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۹۰	-----	احزاب	احزاب	احزاب	-----	-----	-----	-----	-----	احزاب	-----	-----	-----	-----
۹۱	-----	مائده	مائده	مائده	-----	-----	-----	-----	-----	مائده	-----	-----	-----	-----
۱۰۷	-----	ممتحنه	ممتحنه	ممتحنه	-----	-----	-----	-----	صف	ممتحنه	-----	-----	-----	-----
۱۰۸	-----	-----	-----	-----	-----	فتح	-----	-----	مائده	-----	صف	-----	-----	-----
۱۰۹	-----	-----	-----	-----	-----	مائده	-----	-----	توبه	-----	مائده	-----	-----	-----
۱۱۰	-----	-----	-----	-----	-----	توبه	-----	-----	-----	-----	توبه	-----	-----	-----
۱۱۲	فتح	-----	-----	-----	-----	-----	فتح	فتح	-----	-----	-----	فتح	فتح	فتح
۱۱۳	مائده	-----	-----	-----	-----	-----	توبه	مائده	-----	-----	-----	توبه	مائده	مائده
۱۱۴	توبه	-----	-----	-----	-----	-----	مائده	توبه	-----	-----	-----	مائده	توبه	توبه

بنا بر این روایات سوره‌ی مائده پس از یکی از سوره‌های (احزاب- فتح- صف- توبه) و پیش از یکی از سوره‌های ممتحنه (ممتحنه- توبه) نازل شده است. برای روشن شدن تاریخ تقریبی نزول مائده با توجه به منابع تاریخی و همچنین برخی از منابع تفسیری تاریخ نزول هر یک از این سوره‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵-۱-۱- تخمین تاریخ نزول سوره احزاب

سوره‌ی احزاب سی و سومین سوره‌ی مصحف و طبق نظر مشهور نودمین سوره در ترتیب نزول است. یکی از علت‌های نام گذاری این سوره به احزاب آن است که در آیاتی از این سوره به واقعه‌ی غزوه‌ی خندق یا همان احزاب پرداخته شده است (نک: زحلی، ۱۴۱۱ق، ۲۱/۲۲۵). واقده‌ی نزول آیات ۹- ۲۴ احزاب را در جنگ خندق گزارش داده است (واقده‌ی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۴۹۴- ۴۹۵؛ همچنین بنگرید به: ابن هشام، بی‌تا، ۲/۲۴۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲/۵۵؛ کلاعی، ۱۴۱۰ق، ۱/۴۳۸؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۲/۳۰۰؛ ابن کثیر، بی‌تا، ۴/۱۱۵). با توجه به منابع کهن جنگ خندق در یکی از سال‌های چهارم (نک: فسوی، ۱۴۰۱ق، ۳/۲۵۸؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۳/۳۹۲) یا اواخر پنجم (نک: ابن هشام، بی‌تا، ۲/۲۱۴؛ واقده‌ی، ۱۴۰۹ق، ۲/۴۱۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲/۵۰؛ بلاذری، بی‌تا، ۱/۳۴۵؛ طبری، بی‌تا، ۲/۵۶۴؛ همچنین نک: جعفریان، ۱۳۸۳ش، ۵۵۰) به وقوع پیوسته است. استدلال کسانی که وقوع آن‌را در سال چهارم می‌دانند آن است که جنگ احزاب پیش از اكمال سال چهارم و ورود به سال پنجم رخ داده است که در واقع نظر آن‌ها با کسانی که قائل به وقوع غزوه در سال پنجم هستند تفاوتی نمی‌کند. از سویی نیز عده‌ای اختلاف در مبدا سال‌های قمری دارند و از همین رو تاریخ وقوع جنگ را سال چهارم پنداشته‌اند اما با توجه به منابع وقوع آن در سال پنجم محتمل‌تر است. همچنین شواهدی تاریخی در دست است که نشان می‌دهد آیات ۳۶ و ۵۳ این سوره در سال پنجم نازل شده است (نک: آقاجانی، ۱۴۰۲ش، ۶۷-۷۱).

بنا بر این جنگ احزاب در اواخر سال پنجم هجرت نازل شده است و آیات ۹- ۲۴ این سوره در همین سال نازل شده است و آیات ۳۶ و ۵۳ در سال پنجم نازل شده است که در مجموع می‌توان نتیجه گرفت بخش اعظمی از این سوره یا تمام آن در سال پنجم نزول یافته است. بر این اساس نزول سوره مائده باید در سال پنجم یا پس از آن در سال ششم باشد.

۵-۱-۲- تخمین تاریخ نزول سوره فتح

طبق گزارش واقده‌ی سوره فتح در راه بازگشت از حدیبیه نازل شده است (نک: واقده‌ی، ۱۴۰۹ق، ۲/ ۶۱۷- ۶۲۳؛ همچنین بنگرید به: ابن هشام، بی‌تا، ۳/۲۶۶- ۲۶۸؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲/۸۰)

با توجه گزارش‌های موجود، زمان آغاز صلح حدیبیه سال ششم هجرت است (نک: ابن هشام، بی تا، ۲۵۵/۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۳۴۹/۱؛ یعقوبی، بی تا، ۵۴/۲؛ طبری، بی تا، ۶۲۰/۲؛ ابن کثیر، بی تا، ۱۴۶/۴؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۳۶۳/۲). البته اخباری در دست است که نشان می‌دهد این سوره در حجه الوداع نازل شده است (فاکهی، ۱۴۲۴ق، ۲۴۹/۴). اما این نظر خلاف گزارش مشهور است. بنابراین سال ششم هجرت تاریخ محتمل‌تری برای نزول سوره‌ی فتح است و بر این اساس مائده نیز در همین سال نازل شده است.

۵-۱-۳- تخمین تاریخ نزول سوره توبه

سوره‌ی توبه طبق چینش کنونی مصحف نهمین سوره و در ترتیب نزول، سوره‌ی صد و چهاردهم است (نک: معرفت، ۱۳۹۶ش، ص ۷۹؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۶۰/۱). همچنین این سوره از سور مدنی دانسته شده و در میان سورهای اختلافی نامی از آن برده نشده است. (نک: معرفت، ۱۳۹۶ش، ص ۸۰-۸۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۶۲/۱-۷۱). با کنار هم قرار دادن شواهد و قرائن می‌توان زمان تقریبی نزول سوره را تخمین زد.

طبق گزارش واقعی آیات ۳۸-۱۲۹ این سوره در جنگ تبوک نازل شده است (نک: واقدی، ۱۴۰۹ق، ۱۰۶/۲-۱۰۷/۶) تاریخ وقوع جنگ تبوک سال نهم هجرت است (ابن هشام، بی تا، ۵۱۵/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۱۲۵/۲؛ طبری، بی تا، ۱۰۰/۳). همچنین ابن هشام نزول آیات ابتدایی این سوره در سال نهم را گزارش داده است (ابن هشام، بی تا، ۵۴۳/۲) از این رو می‌توان تخمین زد سوره توبه در سال نهم هجرت نازل شده است و مائده نیز باید در سال نهم یا دهم نزول یافته باشد.

۵-۱-۴- تخمین تاریخ نزول سوره صف

به نظر می‌رسد این سوره در نزدیکی حدیبیه و خیبر تا تبوک بین سال‌های شش تا نهم است (نک: بلاغی، ۱۳۸۶ق، ۲۸/۱؛ دروزه، ۱۴۲۱ق، ۵۵۶/۸). خامه‌گر معتقد است که این سوره در اواخر سال هشتم یا اوائل نهم و قبل از تبوک نازل شده است (خامه‌گر، ۱۴۰۲ش، ۱۷۳). گزارشی از ابن عساکر حاکی از آن است که آیات ۲ تا ۴ این سوره در شان عبدالله بن رواحه نازل شده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۹۰/۲۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۲۱۳/۶) او در سال هشتم هجرت در جنگ موته شهید شد (نک: یعقوبی، بی تا، ۶۵/۲؛ ۴۰۱/۳؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۷۲/۴). لذا عبدالله تا سال هشتم زنده بوده است و به نظر می‌رسد سوره‌ی صف در همان سال هشتم نازل شده باشد.

ردیف	سوره	تاریخ نزول	واقعه	تاریخ نزول مائده بر اساس سور دیگر
۱	احزاب	سال پنجم هجرت	غزوه خندق	سال پنجم یا ششم
۲	فتح	سال ششم هجرت	غزوه حدیبیه	سال ششم
۳	توبه	سال نهم هجرت	غزوه تبوک	سال نهم یا دهم
۴	صف	سال هشتم هجرت	عبدالله بن رواحه	سال هشتم

۵-۲- تخمین تاریخ نزول سوره مائده بر اساس گزارش‌های تاریخی

سوره‌ی مائده طبق چینش کنونی مصحف پنجمین سوره و طبق نظر مشهور در ترتیب نزول، سوره‌ی صد و سیزدهم است (نک: معرفت، ۱۳۹۶ش، ۷۹؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۶۰/۱). همچنین این سوره از سور مدنی دانسته شده و اسم آن در میان سوره‌های اختلافی، دیده نمی‌شود. این سوره به سبب آنکه از مائده آسمانی و نزول آن به درخواست حواریون حضرت عیسی(ع) سخن گفته، مائده نام گرفته است (نک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۵/۵) با کنار هم قرار دادن شواهد و قرائن می‌توان زمان تقریبی نزول سوره را تخمین زد.

۵-۲-۱- شواهدی بر نزول منظم سوره‌ی مائده

گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که آیه‌ی ۳ سوره‌ی مائده در حجه الوداع نازل شده است (نک: ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۱۴۴/۲؛ فاکهی، ۱۴۲۴ق، ۳۳۷/۱؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۴۴۵/۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۲۳۳/۴۲؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۷۰۸/۲؛ حسنی، بی‌تا، ۲۴۵/۱ و دیگران). پیامبر در سال دهم هجرت به حجه الوداع (حجه الاسلام) رفت (نک: واقدی، ۱۴۰۹ق، ۱۰۸۸/۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۱۳۰/۲؛ بلاذری، بی‌تا، ۳۶۸/۱؛ ابن خیاط، ۱۴۱۵ق، ۴۵؛ ابن حبیب، ۱۴۲۱ق، ۳۶؛ طبری، بی‌تا، ۱۴۸/۳؛ یعقوبی، بی‌تا، ۱۰۹/۲؛ ابن کثیر، بی‌تا، ۱۰۹/۵؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۷۰۱/۲). بنا بر این می‌توان گفت آیات ابتدایی سوره‌ی مائده و یا تنها آیه‌ی سوم این سوره در سال دهم هجرت نازل شده است. اگر بپذیریم که آیات قرآن یکی پس از دیگری نازل شده است، در این فرض تاریخ نزول آیه‌ی یازدهم سوره‌ی مائده سال دهم هجرت خواهد بود. روایاتی که نزول سوره‌ی مائده را دفعی معرفی می‌کنند موید همین نظر است. روایتی از جعفر محمد (ع) نشان می‌دهد که نزول این سوره دفعی است (نک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲۳۱/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۱۰۵/۲). برخی از روایات در کتب اهل سنت نیز صراحت در نزول دفعی مائده دارد (نک: ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۵۵۷/۴۵؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲ق، ۸/۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۳/۳؛ ابن کثیر، بی‌تا، ۲۲/۳). دفعی بودن سوره، می‌تواند دلیلی بر ترتیب آیات آن باشد. همچنین در

فرض تدریجی بودن نزول این سوره آن دسته از روایات ترتیب نزول که نزول این سوره را به عنوان آخرین سوره‌ی نازلۀ دانسته‌اند -به عنوان مثال روایت امام صادق (ع) و روایت مقاتل از امام علی (ع)- می‌تواند قرینه‌ای بر ترتیب نزول آیات این سوره باشد، زیرا نزول آیاتی از این سوره در پیش از سال دهم متنفی خواهد بود.

۵-۲-۲- شواهدی بر نزول پراکنده سوره‌ی مائده

قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد نزول آیاتی از این سوره پیش از سال دهم بوده است. برای نمونه در حدیثیه مقدار آیه‌ی ۲۴ مائده^۴ را قرائت کرده است (نک: واقدی، ۱۴۰۹ق، ۵۸۱/۲) که نشانگر نزول این آیه در سال ششم هجرت یا پیش از آن است. عجیب آنکه ابن هشام، ابن سعد و بلاذری و دیگران گزارش داده‌اند مقدار این جمله را در غزوه‌ی بدر -سال دوم هجرت- قرائت کرده است (برای نمونه: نک: طبری، بی‌تا، ۴۳۴/۲؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۵۱/۲ و دیگران). این روایت حتی با هیچ یک از روایات ترتیب نزول نیز مطابقت ندارد. از جمله شواهد دیگری که دلالت بر نزول پراکنده‌ی سوره‌ی مائده دارد گزارش واقدی مبنی بر نزول آیه‌ی ۴۱ این سوره در غزوه‌ی بنی قریظه است (واقدی، ۱۴۰۹ق، ۵۰۸/۲). همچنین نقل ابن هشام حاکی از آن است که این آیه به صورت جدا و در شان ابن صوری نازل شده است (نک: ابن هشام، بی‌تا، ۵۶۵/۱). همچنین روایات دیگر مبنی بر پراکنده نازل شدن این سوره وجود دارد (نک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۵/۵-۷).

بر اساس گزارش‌های تاریخی تاریخ نزول آیه‌ی سوم سوره‌ی مائده بین سال‌های دوم تا دهم هجرت است.

اما برای آیه‌ی یازدهم این سوره تاریخ‌های متفاوتی نقل شده است که در جدول زیر نشان داده می‌شود. شایان ذکر است این تاریخ‌ها از کتاب مغازی واقدی و سیره نبویه ابن هشام نقل خواهد شد.

ردیف	المغازی واقدی	السیره النبویه ابن هشام	سال نزول با توجه به واقعه
۱	غطفان (۱۹۶/۱)	غطفان (۱۹۶/۱)	سال سوم هجرت
۲	خندق (۲/ ۴۹۴)	ذات الرقاع (۲/ ۲۰۵)	سال چهارم هجرت

۴. قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنُدْخِلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (مائده / ۲۴)

۵-۳- تخمین تاریخ نزول سوره مائده بر اساس کلیه‌ی شواهد

ارزیابی تاریخ نزول مائده بر اساس معیارها مختلف

ردیف	روایات سبب نزول	روایات ترتیب نزول	گزارش‌های تاریخی
۱	سال سوم (کشته شدن کعب)	سال پنجم پس از سوره‌ی احزاب	سال دوم در بدر
۲	سال سوم (غزوه غطفان)	سال ششم پس از سوره‌ی فتح	سال سوم غطفان
۳	سال چهارم (غزوه بنی نضیر)	سال هشتم پس از سوره‌ی صف	سال چهارم بنی نضیر
۴	سال چهارم (غزوه ذات الرقاع)	سال نهم پس از سوره‌ی توبه	سال پنجم در بنی قریظه
۵	----- -----	----- -----	سال دهم حجه الوداع (دفعی)
۶	----- -----	----- -----	سال دهم تدریجی منظم

بر اساس شواهد تاریخی سوره‌ی مائده در یکی از سال‌های دوم تا دهم هجری نازل شده است. در جمع‌بندی می‌توان به سه نوع از نزول مائده قائل شد.

۱- آیه ۲۴ از این سوره در سال دوم هجرت در بدر نازل شده است و این اولین آیه‌ی نازل‌ی این سوره است. بر اساس این دیدگاه لازم نیست ابتدا آیات ابتدایی یک سوره نازل گردد و سپس آیات پس از آن. یعنی ابتدا آیه‌ی یک، سپس آیه‌ی دو و بعدهم آیات دیگر بلکه می‌شود ابتدا آیاتی که در مصحف وسط سوره قرار دارند نازل گردد و پس از آن آیاتی که در ابتدای مصحف قرار دارند که در این صورت آیات ابتدایی از حیث رتبه‌ی نزولی و رتبه‌ی حصولی (جایگاه آیه در مصحف) با یکدیگر تفاوت دارند. بنابر این آیه‌ی ۱۱ مائده در یکی از سال سوم یا چهارم نازل شده و اکثر آیات این سوره پس از حدیبیه و آیه‌ی سوم این سوره در حجه الوداع نزول یافته است. موید این دیدگاه مجموعه‌ی گزارش‌هایی است که نشان می‌دهد آیاتی از این سوره در وقایع متفاوت نزول یافته است. این نوع از نگاه در گستره‌ی آیات مائده نگرشی نوین به معنای نزول پراکنده‌ی آیات این سوره است که تاثیر بسیار مهمی در تاریخ‌گذاری آیات این سوره دارد.

۲- زمان شروع نزول آیات این سوره در سال ششم هجرت، در راه بازگشت از حدیبیه است. در این فرض اقوال و روایاتی که نزول آیاتی از این سوره را پیش از حدیبیه گزارش داده‌اند، مردود است اما کماکان اعتقاد به نزول آیه‌ی سوم در حجه الوداع امری ضروری است و این بدان معنا است که ابتدا آیاتی پیش یا پس از آیه‌ی سوم نازل شده و بعد از آن آیه‌ی سوم در حجه الوداع نزول یافته است. لذا شروع نزول سال ششم و انتهای آن سال دهم خواهد بود. این سخن به آن معنا است که آیه‌ی ۱۱ مائده پیش از آیه‌ی سوم مائده نازل شده است.

۳- همه‌ی آیات این سوره به صورت دفعی در حجه الوداع نازل شده است. اما جمع‌بندی اقوال نشان می‌دهد با توجه به شواهد و قرائن احتمال شروع نزول این سوره در اواخر سال پنجم و اوائل سال ششم هجرت پس از غزوہی خندق و پیش از حدیبیه بیشتر است لذا مبنای ادامه‌ی بحث در مقاله‌ی حاضر دیدگاهی است که نزول سوره را سال ششم معرفی می‌کند. مویدات ترجیح این وجه، مطابقت آن با آن روایات ترتیب نزولی است که نزول مائده را پس از احزاب دانسته و از سویی روایاتی موافق از منابع تاریخی این دیدگاه را مستحکم می‌کند مانند گزارش واقعی مبنی بر نزول آیاتی از مائده در بنی قریظه و حدیبیه (نک: واقدی: ۱۴۰۹ق، ۵۰۸/۲). شواهد به روشنی نشان می‌دهد نزول سوره‌ی مائده به صورت پراکنده بوده است به این معنا که هرچند شروع نزول این سوره پس از حدیبیه است اما آیات ابتدایی سوره در حجه الوداع سال دهم نازل شده و هنگام تدوین سوره، خود پیامبر (ص) چینش آیات را مشخص کرده و آیات را طبق چینش وحیانی آن ترتیب داده است. نقلی از برخی از صحابه موید این نظر است. به تصریح بعضی از روایات پیامبر با تعبیر «ضعوا هذه في سورة» و تعبیری از این دست (نک: بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۵۳۷/۷؛ مزی، ۱۴۰۶ق، ۲۸۸/۳۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۸۷۸/۱)، مستقیماً به جاگذاری فقرات مختلف سوره‌ها در مواضع‌شان مبادرت کرده است. چنانکه تعبیر «ان جبرئیل کان یقول ضعوا کذا فی موضع کذا» و «ان رسول الله (ص)، کان إذا نزل علیه الشیء دعا من کان یکتب؛ فیقول: ضعوا هذه الآيات فی السورة التي یذكر فیها کذا» (نک: عاملی، ۱۹۹۲م، ۷۷/۱) نیز مویدی دیگر بر دخالت وحی در چینش بخش‌های مختلف قرآن است. لذا روایاتی که نزول آیات این سوره را پیش از سال ششم می‌داند مورد قبول نخواهد بود.

نتیجه

نتایج به دست آمده پژوهش حاضر به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) نتایج اصلی

این نتایج آن دسته از نتایجی است که با پرسش‌های مقاله ارتباط مستقیم دارند.

۱- پژوهش حاضر به‌وضوح نشان داد که در تاریخ‌گذاری آیات قرآن بالانحصار آیه‌ی ۱۱ سوره مائده بر اساس روایات سبب نزول، گزارش‌های تاریخی جایگاه مستقلى را دارا است علاوه بر آنکه این سنجه در کنار سایر سنجه‌های مستقل مانند ظواهر آیات قرآن، سنت و عقل می‌تواند در تعیین صحت سقم روایات به‌ویژه روایات سبب نزول نقش اساسی را ایفا کند.

۲- گزارش‌ها و تاریخ‌گذاری‌ها به‌وضوح نشان می‌دهد با توجه به‌کشته شدن کعب بن اشرف در سال سوم و پیش از غزوه‌ی بنی‌نضیر و وقوع این جنگ در سال چهارم امکان معیت او و قوم بنی‌نضیر هنگام حضور پیامبر (ص) در میان آنها در سال چهارم وجود نداشته است زیرا شواهد نشان‌گر به‌درک واصل شدن وی پیش از بنی‌نضیر است. بنابر این روایت سبب نزولی که اشاره به‌نزول آیه‌ی ۱۱ مائده در بنی‌نضیر دارد به‌دلیل عدم مطابقت تاریخی اشخاص و واقعه قابل پذیرش نخواهد بود.

۳- بر اساس منابع تاریخی و روایات ترتیب نزول، شروع نزول سوره‌ی مائده در اواخر سال پنجم، یا اواسط سال ششم پس از سوره‌ی احزاب و جنگ خندق است. بنابر این، نزول آیه‌ی ۱۱ مائده در سال چهارم، در پیش از خندق بعید به‌نظر می‌رسد. از این‌رو با توجه به وقوع غزوه غطفان در سال سوم و ذات الرقاع در سال چهارم و شروع نزول سوره در سال پنجم سبب نزول دوم نیز مردود خواهد بود زیرا طبق این روایت تاریخ نزول آیه در غزوه‌ی هفتم است.

لذا باید گفت از لحاظ تاریخ وقوع هیچ یک از وقایع مذکور در روایات سبب نزول با تاریخ نزول سوره‌ی مائده سازگاری ندارد و نمی‌توان هیچ یک از روایات را پذیرفت.

ب) نتایج فرعی

به‌آن دسته از نتایج گفته می‌شود که با مسئله‌ی پژوهش رابطه‌ی مستقیم ندارد اما نتایج اصلی پژوهش منجر به این نتایج خواهد بود.

۱- لازم به‌ذکر است بر پایه‌ی گزارش‌ها، سوره‌ی مائده به‌صورت پراکنده نازل شده است. یعنی شروع نزول آن در سال پنجم یا ششم بوده اما در این سال قطعا آیات ابتدایی این سوره نازل نشده، بلکه آیات ابتدایی آن یا حداقل آیه‌ی سوم این سوره در سال دهم نازل شده است. بنابراین گزارش‌های تاریخی به‌وضوح نزول منظم و متوالی آیات را مورد مناقشه قرار می‌دهد و گونه‌ای از پراکندگی در نزول آیات را به‌اثبات می‌رساند که در تاریخ‌گذاری آیات بسیار مهم است.

۲- مقصود از نزول پراکنده در این سوره نزول با فاصله‌ی آیات مصحف با توجه به‌ترتیب کنونی آن نیست، بلکه منظور نزول آیات بر خلاف نظم کنونی مصحف است. به‌عنوان مثال نزول آیه‌ی ۱۱ مائده در سال ششم و نزول آیه‌ی سوم مائده در سال دهم هجرت.

منابع

۱. علاوه بر قرآن کریم.
۲. ابن حبیب، محمد (۱۴۲۱ ق)، *المحبر*، تحقیق: سید حسن کسروی، القاهرة: دار الغد العربی.
۳. ابن حنبل، أحمد (۱۴۱۶ ق)، *المسند*، قاهره، دار الحديث.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ ق)، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، محقق: غضبان، عامر و دیگران، بیروت، مؤسسه الرساله.
۵. ابن خیاط، خلیفه، (۱۴۱۵ ق)، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، محقق: فواز، نجیب، فواز، حکمت، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ ق)، *الطبقات الکبری*، محقق: عطا، محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۷. ابن شبة النمیری البصری، عمر (۱۴۱۰ ق)، *تاریخ المدینه المنوره (أخبار المدینه النبویه)*، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم: دار الفکر.
۸. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ق)، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، بیروت: مؤسسه التاریخ.
۹. ابن عبد البر، یوسف ابن عبدالله (۱۴۱۲ ق)، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، تحقیق: بجاوی، علی محمد، بیروت، صبح پیروزی.
۱۰. ابن عساکر، علی بن حسن، شیری، (۱۴۱۵ ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق: شیری، علی، بیروت، دار الفکر.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (بی تا)، *البدایه و النهایه*، تحقیق: شحاده، خلیل، بیروت، دار الفکر.
۱۲. ابن هشام، عبد الملک، (بی تا)، *السیره النبویه*، تحقیق: ابیاری، ابراهیم، سقا، مصطفی، شبلی، عبدالحفیظ، بیروت، دار المعرفه.
۱۳. آقاجانی، مجتبی (۱۴۰۲ ش)، *تاریخ گذاری آیه ۳۶ سوره احزاب بر پایه سنجش روایات سبب نزول*، پژوهشنامه نقد آراء تفسیری سال ۴ بهار و تابستان، صص ۵۳-۷۶.
۱۴. آیتی، ابراهیم، (۱۳۹۸ ش)، *تاریخ پیامبر اسلام محمد*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ ق)، *انساب الاشراف*، تحقیق: محمودی، محمدباقر، حمید الله، محمد، عباس، احسان، دوری، عبد العزیز، بیروت، دار الفکر.

۱۶. بلاغی، عبدالحجه، (۱۳۸۶ق)، *حجۃ التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، قم، حکمت.
۱۷. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ق)، *دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة*، تحقیق: قلعجی، عبدالمعطی امین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۸. پارسا، فروغ، (۱۳۸۸ش)، *حدیث در نگاه خاورشناسان*، تهران، چاپخانه دانشگاه الزهرا.
۱۹. پهلوان منصور و همکاران، (۱۳۹۷ش)، *کاوشی در پدیده تکرار و تعدد نزول، آموزه های قرآنی*، شماره ۲۷، صص ۲۱۱-۲۳۶.
۲۰. پیروفر، سهیلا (۱۳۸۷ش)، *انگاره تکرار نزول آیه، علوم حدیث*، دانشگاه قرآن و حدیث، شماره ۴۹-۵۰، صص ۲۹-۴۶.
۲۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۳ش)، *سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم*، قم، دلیل ما.
۲۲. حسنی، هاشم معروف، (بی‌تا)، *سیره الأئمة الإثني عشر*، قم، الشریف الرضی.
۲۳. الحلبي، علی بن ابراهیم (۱۴۲۷ق)، *السيرة الحلبیة و هو الكتاب المسمى إنسان العیون فی سيرة الأمين المأمون*، تحقیق: عبدالله محمد الخلیلی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۴. دروزه، محمد عزة (۱۴۲۱ق)، *التفسير الحديث: ترتيب السور حسب النزول*، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۲۵. ذهبی، محمد بن احمد، (بی‌تا)، *العبر فی خبر من غیر*، تحقیق: زغلول، ابو هاجر محمدسعید، لبنان، الکتب العلمیه.
۲۶. زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱ق)، *التفسير المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، دمشق، دار الفکر.
۲۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، *الایقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی.
۲۸. سیوطی، جلال الدین (۲۰۱۴م)، *لباب النقول فی اسباب النزول*، بیروت، دار الکتب العرب.
۲۹. السیوطی، عبد الرحمن (۱۴۰۳ق)، *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۳۰. شمس شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق)، *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*، تحقیق و تعلیق: عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، یزدی، فضل الله، رسولی، هاشم، تهران، ناصر خسرو.
۳۲. طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، *تاریخ الامم و الملوك*، بیروت، بی‌نا.
۳۳. عاملی، جعفر مرتضی (۱۹۹۲)، *حقایق هامة حول القرآن الکریم*، بیروت، دار الصفوة.

۳۴. عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق: معوض، علی محمد، عبدالموجود، عادل احمد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۵. فاکهی، محمد بن اسحاق، (۱۴۲۴ق)، *أخبار مکه*، تحقیق: ابن دهیش، عبد الملک، مکه مکرمه، مکتبه الأسدی
۳۶. فسوی، یعقوب بن سفیان (۱۴۰۱ق)، *المعرفه و التاريخ*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۷. فقهی زاده، عبدالهادی و همکاران، (۱۳۹۷ش)، *تحلیل انتقادی دلایل قائلان به نظریه ی تکرار نزول*، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ۱۵، صص ۱۲۵-۱۵۳.
۳۸. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر الصافی*، تصحیح: حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر.
۳۹. المزی، یوسف (۱۴۰۶ ق)، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق: معروف، بشار عواد، بیروت: موسسه الرساله.
۴۰. مزینی، خالد بن سلیمان، (۱۴۲۷)، *المحرر فی أسباب نزول القرآن من خلال الكتب التسعة دراسة الأسباب رواية ودراية*، المملكة العربیة السعودیة، دار ابن الجوزی، الدمام.
۴۱. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰ق)، *إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة و المتاع*، تحقیق: نمیسی، محمد عبدالحمی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴۲. موتسکی، هارالد (۱۳۹۴ق)، *ارزیابی تاریخ گذاری احادیث*، مترجم: سید علی آقایی، صص ۲۱-۸۰، تهران، انتشارات حکمت.
۴۳. نکونام، جعفر، (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*، تهران، نشر هستی نما.
۴۴. واحدی، علی بن أحمد (۱۴۱۱ ق)، *أسباب نزول القرآن*، تحقیق و دراسة: کمال بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۵. وادعی، مقبل بن هادی، (۱۴۰۸)، *الصحيح المسند من أسباب النزول*، قاهره، مکتبه ابن تیمیه.
۴۶. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، تحقیق: جونز، مارزدن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۷. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۸۹ش)، *مغازی: تاریخ جنگهای پیامبر(ص)*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نظر دانشگاهی.
۴۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر.